



به قلم  
خانم باران زعیبی

## ماجرای فدک

“فدک” قریه‌ای آباد و حاصل خیز بود نزدیک خیبر که دو یا سه روز تا مدینه فاصله داشت. چشمه‌های جوشان و نخل‌های فراوانی داشت و بعد از خیبر نقطه اتکاء یهودیان در حجاز به شمار می‌رفت. پس از فتح خیبر، خداوند رعب و وحشت را در قلوب اهل فدک، که از یهودیان سرسخت بودند، افکند؛ آن‌ها کسی را خدمت رسول خدا(ص) فرستادند و نیمی از فدک را به آن حضرت واگذار کردند. پیامبر(ص) از آن‌ها پذیرفت و با آن‌ها صلح نمود. به این ترتیب فدک خالصه‌ی رسول الله(ص) شد و طبق قرآن مجید، چیزی که به دست مسلمین بدون جنگ بیفتد، منحصراً حق پیامبر(ص) است و به صورت غنایم جنگی تقسیم نمی‌شود. بعد از مدتی با اما پس از رحلت رسول اکرم(ص) فدک توسط غاصبان خلافت از ایشان گرفته شد.

گرفتن فدک از بانوی اسلام، فاطمه زهرا(س) مسئله‌ی ساده‌ای نبود که تنها مربوط به جنبه‌ی مالی باشد، بلکه جنبه‌ی اقتصادی آن تحت الشعاع مسائل سیاسی حاکم بر جامعه‌ی اسلامی بعد از رحلت پیامبر(ص) بود. از نظر اقتصادی مهم بود، چراکه به زعم غاصبان، اگر علی(ع) و خاندان او در مضیقه‌ی شدید اقتصادی قرار می‌گرفتند، توان سیاسی آن‌ها به همان نسبت تحلیل می‌رفت و منزوی می‌شدند. به تعبیر دیگر وجود فدک در دست آنان امکاناتی در اختیارشان قرار می‌داد که می‌توانست پشتوانه‌ی مسئله‌ی ولایت باشد، همانگونه که اموال خدیجه(س) پشتوانه‌ای برای پیشرفت اسلام در آغاز نبوت پیامبر اسلام(ص) بود. اما نکته آن بود که این حق حتی در زمانی که با ثروت بی‌شمار بنی امیه و بنی عباس مقابله نمی‌کرد هم بازپس داده نمی‌شد!

وجود فدک در دست خاندان پیامبر(ص) با این سابقه‌ی تاریخی، سبب می‌شد که مردم سایر آثار پیامبر(ص)، مخصوصاً مسئله‌ی خلافت و جانشینی آن حضرت را نیز در این خاندان جست و جو کنند، و این مطلبی نبود که طرفداران انتقال خلافت به کسان دیگر بتوانند آن را تحمل کنند.

با توجه به دلایل ذکر شده، بانوی اسلام از این حق نگذشت و با وجود قدرت معنوی و الهی، فدک را یک داشته‌ی دنیایی کم‌ارزش که قابل گذشتن باشد فرض نکرد و برای پس گرفتن آن اصرار نمود. براساس آیات قرآن با غاصبان “مواجهه” نمود و با اینکه نیازی نداشت، شاهد و گواه آورد.

هیچ کس نتوانست در برابر منطبق قرآنی حضرتش پاسخ بدهد تا آنجا که خلیفه‌ی اول فدک را پس داد اما دومین فرد مجدداً به ناحق پس گرفت.

شاید آن روزها هم سازش‌طلبانی در مدینه بودند که تلاش دختر پیامبر اکرم را به زحمت انداختن خود و خاندانش برای یک دارایی دنیایی تفسیر می‌کردند و از او می‌خواستند با غاصبین کنار بیایند و زندگی خوش را به خود و اهل بیبتش تلخ نکنند و به همین خاطر به یاری اهل بیت(ع) نشتافتند. راحت‌طلبی و آرامش بی‌زحمت و چرخیدن اقتصاد قبیله‌ای، از جمله بهانه‌هایی بود که مردم نادان مدینه‌ی پس از پیامبر را مسخ کرد تا بی‌صدا شاهد زورگویی مستکبرین زمان و شهادت حق باشند. می‌گویند تاریخ آینه‌ی عبرت است و برای ما مسلمانان چه تاریخی عبرت‌انگیز تر از تاریخ اسلام؟



در آن زمان که دل از روزگار دلخور بود و وصف مردمش “الهاکم التکاثر” بود درون خانه‌ی تو نان فقر آجر بود شبیه شعب ابی طالب از خدا پر بود بهشت عالم بالا برایت آماده است حصیر خانه‌ی مولا به پایت افتاده است به حکم عشق بنا شد در آسمان علی علی از آن تو باشد... تو هم از آن علی چه عاشقانه همه عمر مهربان علی! به نان خشک علی ساختی، به نان علی

از آسمان نگاهت ستاره می‌خواهم اگر اجازه دهی با اشاره می‌خواهم... به یاد آن دل از شهر خسته بنویسم کنار شعر دو رکعت نشسته بنویسم شکسته آمده‌ام تا شکسته بنویسم و پیش چشم تو با دست بسته بنویسم به شعر از نفس افتاده جان تازه بده و مادری کن و این‌بار هم اجازه بده به افتخار بگویم از تبار توایم هنوز هم که هنوز است بی‌قرار توایم اگر چه ما همه در حسرت مزار توایم کنار حضرت معصومه در کنار توایم فضای سینه پر از عشق بی‌کرانه‌ی توست کرم نما و فرود آ که خانه خانه‌ی توست



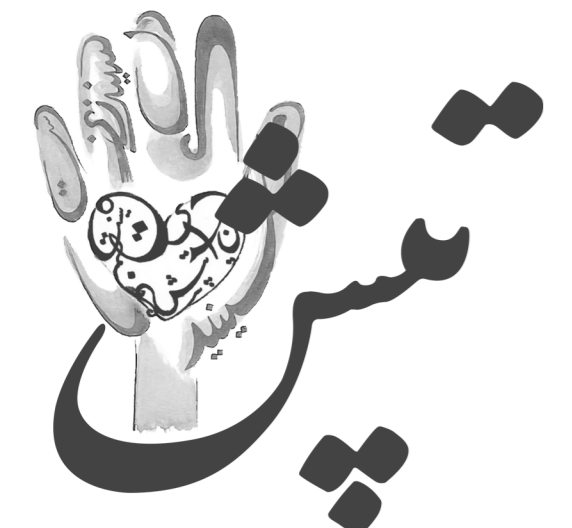
این صدای تپش قلبم نیست  
در حین دل سینه‌زنی است

نشریه‌ی تپش؛ گاهنامه‌ی بسیج داروسازی  
ویژه‌ی فاطمیه؛ ۱۴۳۷ هـ.ق  
بسیج دانشجویی دانشکده داروسازی، علوم پزشکی تهران  
در صورت تمایل به همکاری با تحریریه‌ی نشریه، لطفاً از طریق رایانامه یا مراجعه‌ی حضوری به دفتر بسیج دانشکده اقدام نمایید.  
رایانامه: bptums@chmail.ir  
bptums.blog.ir  
کانال تلگرام بسیج داروسازی: telegram.me/bptums



طرح از سید ایمان نوری نجفی  
لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمَّا أَرَكُمُ وَلَمْ أَعْرِفَكُمُ  
کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم!

نظام اسلامی منهای ولایت، همان نظام طاغوت است که جریان سقیفه به خوبی این را فهمیده بود. سقیفه جریان وابستگی حکومت به خدا را قطع کرد؛ یعنی دقیقاً تحریف آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام/۵۷) پس بنابراین لزومی ندارد از فرمان پیامبر مبنی بر جانشینی خود پیروی کند. ضمن این‌که با زدودن عصمت از جریان نبوت سعی در باطل بودن برخی از سخنان و رفتارهای ایشان نمود. (ان الرجل ليهجر) باید دانست ولایت عشق و محبت نیست، بلکه لازمه ولایت عشق و محبت است، ولایت یک چنین اجتماعی است و چنین یک نظم همراه با جلو رفتن به کمال انسانی است. اگر در جامعه مظهر خدا که امام معصوم است در راس مخروط جامعه قرار بگیرد، جامعه‌ای ولایی تشکیل می‌شود که به رفیع تمام نیازهای مردم می‌پردازد. پس جریان سقیفه به ما مربوط می‌شود؛ زیرا، اگر در آن زمان حاکمیت در مسیر امامت قرار می‌گرفت آیا وضعیت بشر به این شکل می‌بود؟ حضرت فاطمه زهرا(س) به خوبی از آینده بشر آگاه بود. فلذا به ایستادگی در مقابل جریان ولایت ستیز پرداخت. حال این سوال پیش می‌آید که آیا تأثیری بر عملیات دفاع حضرت از ساحت ولایت مترتب شد یا خیر؟ باید گفت حضرت، جریان ولایت‌پذیری و مبارزه با ولایت ستیزان را به راه انداخت. جریان‌ی که در بعد از خود به قیام عاشورا و هم‌اکنون به انقلاب اسلامی و در آخر هم به ظهور منجی می‌انجامد. سلاح حضرت در این مبارزه اشک بود و شما بارها شنیده‌اید که ولایت ستیزان از گریه‌های ایشان به ستوه می‌آمدند و تحمل صدای گریه ایشان را نمی‌کردند؛ زیرا حضرت با گریه خود به امت اسلامی آگاهی داده و مظلومیت ولایت را بازگو می‌کردند. حضرت زهرا(س) قبر خود را مخفی نگه داشتند تا این سوال در ذهن همه جهانیان باقی بماند که چرا دختر مطهر پیامبر اسلام قبرش مخفی ماند و این خود ابتکار عملی برای یک مبارزه همیشگی از سوی زهرا(س) می‌باشد.



شماره ۲، ویژه‌ی فاطمیه؛ ۱۴۳۷ هـ.ق  
bptums@chmail.ir  
bptums.blog.ir  
بسیج دانشجویی دانشکده داروسازی، علوم پزشکی تهران



## ارزش فاطمه زهرا(س) به عبودیت و بندگی خدا

اگر شما انسانی هستید که این قدرت در شما وجود دارد که در مقابل کوهی از ارزش‌های مادی و برآورنده‌ی هوس‌ها محکم بایستید و تکان نخورید، خداوند برای شما شایستگی‌هایی در نظر می‌گیرد. «و مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا» او با همه‌ی وجود پاک‌دامنی خود را حفظ کرد، لذا شایسته‌ی این شد که مادر عیسی شود. حضرت یوسف در عین جمال و جوانی و برخورداری از عزت مادی در خانه‌ی عزیز مصر، روی هوس خود پا گذاشت؛ لذا شایسته‌ی مقام والایی شد که خدا به او داد؛ یعنی پیغمبری. خدا این را می‌داند که این بنده چنین جوهری دارد و این‌چنین اراده‌ی خود را صرف راه او خواهد کرد؛ لذا برای او مسؤولیت‌های بزرگ و سنگین دیگری - که هر کدام باز به نوبه‌ی خود اجرهای بزرگی دارد - در نظر می‌گیرد. «امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابرة» خدای متعال می‌داند که فاطمه‌ی زهرا در دوران زندگی چگونه انتخاب و اختیار خواهد کرد و چگونه قدم خواهد برداشت. عبودیت خدا معیار است. این شد برای ما خط روشن.

# راز دردناک ترین آیه‌ی قرآن



این که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: فاستقم كما امرت و من تاب معك، حکم آیین‌نامه را دارد برای نحوه‌ی استقامت و پایداری.

و کلمه‌ی لاتطفوا، به منزله‌ی قیدی است برای این استقامت. استقامت یعنی پایداری کردن در دین. و ظاهراً آفت مهمی که در این تداوم بخشی وجود دارد، طغیان انسان است.

اما این آیین‌نامه‌ای که خداوند برای استقامت فرستاده است، ضرر و نفعش مهم نیست؛ بلکه اصل، ارزشی است که عالم بخاطر آن خلق شده و رسالت و امامت بر همین محور است. در مسیر این استقامت، طغیان نباید صورت بگیرد.

جامعه ما از طرف کسانی که در اثر این صبر و مدارای سفارش شده در این آیین‌نامه، میدان جولان پیدا کرده‌اند در حال لطمه دیدن است. دلیل آن هم رعایت این آیین‌نامه است. در چنین جامعه‌ای که نفاق رواج دارد، نباید پا را از مسیر پیغمبر کنار کشید. باید تحمل و مدارا کرد. همان‌طور که پیغمبر، افرادی که قصد قتل ایشان را داشتند معرفی نکردند. مدارا یعنی مدارای منافقان. به جای فریاد کشیدن بر سر منافق، شیوه برخورد با منافق در صدر اسلام راهم ببین. بین چقدر پیامبر و علی (ع) منافقان را تحمل می‌کردند.

مدارا یعنی مدارای منافقان. به جای فریاد کشیدن بر سر منافق، شیوه برخورد با منافق در صدر اسلام راهم ببین. بین چقدر پیامبر و علی (ع) منافقان را تحمل می‌کردند.

احتمال این که منافق درجه یک در صدر کار باشد کم نیست؛ مثل نزدیکان پیغمبر و علی (ع) و امام خمینی (ره). پس اگر در دولت منافق هست، همگی باید تحمل شوند؛ که دارند تحمل می‌شوند! دین ما برای تحمل نفاق، پهلوی حضرت زهرا (س) را داده است. منافق در جامعه حق دارد، حق حرف زدن دارد. پس مراقب باش منافق سرکار نیاید؛ که اگر آمد تا آخرش باید تحمل شود. اگر این مفهوم در جامعه جا بیفتد، اولین اثرش این است که توقعات بیجا از بین می‌رود و جایش را به طرفداری و دلسوزی به جا می‌دهد. اثر دوم این است که هرکسی در دستگاه حاکمیت ذره‌ای قدرت داشته و بخواهد حرکت نادرستی انجام دهد، می‌ترسد که متهم به منافق تحمل شده شود.

منافق در جامعه حق دارد، حق حرف زدن دارد. پس مراقب باش منافق سرکار نیاید؛ که اگر آمد تا آخرش باید تحمل شود!

اگر فقط "موافق" رهبری باشیم، خدا نظام را از ما می‌گیرد. ولی اگر حاضر باشی برای ولایت جان فدا کنی، خدا آن نظام را نگه می‌دارد. موافق بودن به تنهایی ارزش ندارد. ولایت، حقوق بشر را در اوج رعایت می‌کند. حتی حقوق مخالفان و حتی بالاتر از آن حقوق منافقان را. یکی از موارد این آیین‌نامه نیز رعایت حقوق منافقان در جامعه دینی است. علی (ع) جامعه را به دست معاویه داد؛ چون حق منافقین را رعایت کرد. برای بقای جامعه باید ۲ ویژگی را بین مردم افزایش داد: بصیرت و محبت.

برای بقای جامعه باید دو ویژگی را بین مردم افزایش داد: بصیرت و محبت.

بصیرت را شما باید ایجاد کنید، محبت را خدا خودش قول داده اگر امام عادل در جامعه باشد محبتش را در دل مردم قرار می‌دهد. وقتی فاطمه (س) از مسجد برگشت فرمود: یا علی! مثل بچه‌ای که در رحم مادر است، گوشه‌ای نشسته‌ای و زانو بغل کرده‌ای. علی (ع) آیه آخسوره توبه را خواندند: اگر نامردی کردند و پاسخ محبتت را ندادند بگو خدا برای ما بس است...

و وصف مردمش الهاکم التکاثیر بود... | سید حمیدرضا برقی |

شنیده می‌شود از آسمان صدایی که... کشیده شعر مرا باز هم به جایی که... نبود هیچ‌کسی جز خدا، خدایی که... نوشت نام تو را، نام آشنایی که - پس از نوشتن آن آسمان تبسم کرد و از شنیدنش افلاک دست و پا گم کرد نوشت فاطمه، شاعر زبانش الکن شد نوشت فاطمه، هفت آسمان مزین شد نوشت فاطمه، تکلیف نور روشن شد دلیل خلق زمین و زمان معین شد نوشت فاطمه یعنی خدا غزل گفته است غزل قصیده‌ی نابی که در ازل گفته است

نوشت فاطمه تعریف دیگری دارد ز درک خاک مقام فراتری دارد خوشا به حال پیمبر چه مادری دارد درون خانه بهشت معطری دارد پدر همیشه کنارت حضور گرمی داشت برای وصف تو از عرش واژه برمی‌داشت چرا که روی زمین واژه‌ی وزینی نیست و شأن وصف تو اوصاف این‌چنینی نیست و جای صحبت این شاعر زمینی نیست و شعر گفتن ما غیر شرمگینی نیست خدا فراتر از این واژه‌ها کشیده تو را گمان کنم که تو را، اصلاً آفریده تو را که گرد چادر تو آسمان طواف کند و زیر سایه‌ی آن کعبه اعتکاف کند ملک ببیند و آن‌گاه اعتراف کند که این شکوه جهان را پر از عفاف کند کتاب زندگی‌ات را مرور باید کرد مرور کوثر و تطهیر و نور باید کرد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَجْعَعَكُمْ جَمِيعًا فَبِعَيْنِكُمْ يَمَنْتُمْ فَاعْمَلُوا

ای اهل ایمان! مراقب [ایمان و ارزش‌های معنوی] خود باشید؛ اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را از آن چه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.

تمام توجه و تمرکز یک دونده روی خودش است؛ یعنی حواسش جمع خودش است اصلاً کار ندارد که یک خیل عظیمی به تماشا نشستند. هیچ‌گاه پیش خودش نمی‌گوید این‌ها همه راحت نشستند؛ چرا من این همه دوندگی بکنم؟ چرا من این همه عرق بریزم؟ اصلاً حواسش جمع خودش است. حتی با دونده‌های اطراف خودش هم کاری ندارد. کار خودش را می‌کند. قرآن از نصایحش یکی همین است. می‌گوید بیایید مثل این دونده باشید «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» بر شما باد خودهایتان خودتان را بپایید، مواظب خودتان باشید، خودتان باشید، نگاه نکنید یک عده‌ای نشستند؛ هیچ حرکتی، هیچ تلاشی، هیچ کوششی نمی‌کنند. راحت و خوش هستند. اصلاً نگاه به آن‌ها نکنید. کار خودتان را بکنید. خط پایان را ببینید. شما وقتی به خط پایان رسیدید دست پر برمی‌گردید. آن‌ها تا آخر تماشاچی هستند. دست خالی می‌آیند. همان تنقلاتی که با خودشان آورده بودند از دست می‌دهند. دست پر آمده بودند، دست خالی می‌روند. اما شما دست خالی آمدید، دست پر می‌روید.

بیانات حجت الاسلام و المسلمین رنجبر در برنامه سمت خدا مورخ

۹۴/۱۱/۲۵



## بسته‌ی فرهنگی موکب امام رضا علیه السلام

هنوز کوچه به کوچه حکایت از مردی ست... که دست بسته‌ی او عاشقانه می‌لرزد

مداحی | ای ذکر آشنا، ریحانه النبی | [yon.ir/rxaw](http://yon.ir/rxaw)

مداحی | امشب ای کاش غوغا نمی‌شد و... | [yon.ir/XVn5](http://yon.ir/XVn5)

مداحی | علی شور و شیدایی من، نجف شهر رویایی من | [yon.ir/6uBr](http://yon.ir/6uBr)

مداحی | دلم برای تو با هر بهانه می‌لرزد | [yon.ir/R26n](http://yon.ir/R26n)



اینفوگرافی | فصل بیعت ۲  
[yon.ir/Infgo1](http://yon.ir/Infgo1)

کلیپ | احیای تفکر سیاسی اسلام  
[yon.ir/LILG](http://yon.ir/LILG)

کلیپ | ارزش سیاسی بودن  
[yon.ir/4YGU](http://yon.ir/4YGU)

